

## بیانات در دیدار مسؤولین وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگیهای سیاسی خارج از کشور - 31 مرداد/ 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا به آقایان عزیز و برادران خدمتگزار، خیرمقدم عرض می‌کنم و به خاطر زحمات و تلاشهای حساس و ظریف و مهمتان، "خسته نباشید" می‌گویم.

در خصوص کار شما، دو مسأله قابل بررسی است: یکی این که در طول ده سال و عمدتاً هشت سال گذشته، که وزارت خارجه سروسامان و روال مرتب و منظمی داشته، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، در فضای سیاست بین‌المللی چه مقدار توفیق داشته است؟ و دیگر این که بر اساس آن گذشته، آینده را چگونه و با کدام هدفها باید دنبال کنیم؟ قاعدتاً در سمیناری که شما برادران عزیز داشتید و دارید و من هم تا حدودی با روال آن آشنا هستم و مسایل کلی مربوط به نمایندگیها را در جلسات طولانی و صمیمی با شما گفتگو کرده‌ام، جمع‌بندیهای مفید و نزدیک به واقعیت در آن وجود داشته است.

در یک محدوده‌ی کلیتر، این ده سال را باید سالهای مبارزه‌ی سخت و ظریف دیپلماسی جمهوری اسلامی به حساب آورد. این مبارزه، از داخل وزارت امور خارجه و کارهای تشکیلاتی این وزارت و تدوین کلیات و اصول سیاست خارجی شروع می‌شده و تا گزینش و پیدا کردن افراد برای فرستادن به خطوط مقدم این جبهه - که عمدتاً کشورهای خارجی است - و تغذیه‌ی آنها با تفکرات و خطوط درست و هدایت پی‌درپی نمایندگیها و سفارتخانه‌ها و موضعگیریهای ما در سراسر عالم - که حقیقتاً مبارزه‌ی دشواری است - ادامه داشته و دارد.

این مبارزه، فقط یک مبارزه‌ی معمولی دیپلماتیک نیست. دیپلماسی، یک جنگ است. شما این را به خوبی می‌دانید و آن را مثل جنگهای نظامی و برخوردهای اقتصادی که تاکتیک و عقب‌نشینی و حمله و جابه‌جایی و فریب‌جنگی دارد، لمس کرده‌اید. همه‌ی دیپلماتهای دنیا مشغول جنگند. ارزش و تأثیر آن جنگ هم، گاهی از جنگهای نظامی کمتر نیست؛ بلکه در مواردی هم بیشتر است. البته، همیشه این گونه نیست. منظور من از جنگ، یک مبارزه‌ی معمولی نیست؛ که این کار همه‌ی دیپلماتهاست.

ما دچار یک جنگ تحمیلی ناخواسته در عالم دیپلماسی شدیم و آن، تمرکز فعالیت همه‌ی قدرتهای مخالف اسلام و حتی دین - مثل صهیونیسم سیاسی که در رأس است و امریکا و ایادی و همپیمانهای او در سراسر دنیا و نیروهای خرده‌ریزی چون عناصر ضدانقلابی ایرانی مقیم خارج و مخالف با حضور اسلام در ایران - روی دیپلماسی ما بود. دستگاه دیپلماسی ما، یک تنه رویاروی همه‌ی این تمرکز بین‌المللی بود. بخصوص در سالهای آخر این هشت سال، برخی کشورها مشکل دیپلماتیک با ما نداشتند و تا حدی مناسبات و ارتباطاتی با هم داشتیم؛ ولی بر سر مسایل مبنایی - چون اسلام - مستقیم و غیرمستقیم و در مواقع حساس، ضربه‌ی خود را وارد می‌کردند.

وقتی که هر کس با هر قدرت و تشکیلاتی، به جهت مخالفت با اسلام و جمهوری اسلامی، توان خود را بر دیپلماسی ما متمرکز کرد، کار واقعاً مشکل و دشوار می‌شود. این دیپلماسی، دیگر یک حرکت معمولی در میدان جنگ نیست؛ بلکه همچون رزمندگی است که در جنگ پایش را بسته‌اند و یا مسیر حرکتش را گل کرده باشند.

در حقیقت، جنگ دیپلماسی ما، یک جنگ مضاعف است. شما آقایانی که در کشورهای مختلف هستید، اگر یک نگاه سطحی به برخوردهایی که از سوی رسانه‌ها و دیپلماتهای آن کشور، در مقایسه با دیپلماتهای مقیم سایر کشورها با شما شده است، ببیند؛ یک مبارزه‌ی پنهانی دایمی با تلاش یک تشکیلات بین‌المللی را به نیکی درمی‌یابید. تا وقتی پایبندی اسلامی ما محفوظ است، این مبارزه وجود دارد؛ گرچه ممکن است در آینده مجبور به عقب‌نشینی شوند. این، ترسیم دوره‌ی دشوار دیپلماسی ماست که گذرانده‌ایم.

از کاری که شما کردید، دو نتیجه می‌توان گرفت: اول، پرورش ذهنی و سیاسی خوبی که بحمدالله دستگاه دیپلماسی پیدا کرده است. اگرچه به قول آقای دکتر ولایتی، از صفر شروع کرده‌اید؛ ولی خوشبختانه امروز نیروهای

بسیار خوب و زبده با برجستگیها و درخشندگیهای خوب، در میان شما یافت می‌شوند. این را باید قدر دانست. دوم، این است که میدان‌داری سیاسی و موضع‌گیری‌های وزارت خارجه در طول این چند سال، راه صحیح دیپلماسی انقلابی و اسلامی را ترسیم کرده است. به همین دلیل، همواره مورد تأیید امام و مسؤولان هم قرار می‌گرفت. یعنی اگر ما برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قایل هستیم، باید در درجه‌ی اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرتهای بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیریها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است.

برای خیلیها که بین انقلابیگری و برخورد منطقی منافات می‌بینند، عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده می‌کنیم که اینها می‌تواند با هم جمع شود. انقلابیگری به این نیست که ما آن جایی که نباید پرخاش کنیم، بی‌خودی پرخاش کنیم. انقلابیگری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم.

وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرتها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده‌ایم. خوشبختانه، در طول این هشت سال، این خط به مرور رو به سمت تکامل بوده و محفوظ مانده است. لذا امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه) - آن شخصیت حکیم والای دوران‌دیش نافذالبصیره - با رضایت از وزارت خارجه و خط کلی دیپلماسی، از ما جدا شدند و دنیا را ترک کردند. ما بارها احساس رضایت ایشان را شنیده بودیم.

این نکته را هم اضافه کنم که برادران عزیز! هرچه بر پایبندی به اصول اسلامی و روشهای آن بیشتر تأکید بورزید، موفقتر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی ما که دنیا، و حتی مخالفان ما، بدان اذعان دارند، در درجه‌ی اول مدیون تقید و پایبندی شما دست‌اندرکاران است. این را حفظ کنید. بخصوص سفرای ما در نمایندگیهای خارجی، بر حفظ صددرصد تقیدات و ظواهر اسلامی نسبت به خود و خانواده‌ها و همکارانشان مراقبت کنند و این مسأله را در گزینشها رعایت نمایند. به هیچ وجه در این مسأله انعطاف و نرمش نشان ندهید که قوام شخصیت شما و شخصیت دیپلماسی ما، به این است.

جایی که ما پایبندی و اعتقاد دینی قوی‌یی نشان دهیم، دشمن در ما چیزی از قدرت را احساس خواهد کرد که چون او را درست نمی‌شناسد، ابهت آن در دلش جای خواهد گرفت. چنین اعتقاد و اقتداری ابهت است؛ والا این اقتدارهای معمولی و ظاهری - چون پول و ثروت و علم و تسلیحات و ... - قابل فهم و تشخیص است و خیلیها هم بیشتر از ما از آن برخوردارند.

چیزی که در ما استثنایی است و توجه دنیا و احترام دیگران را جلب می‌کند، همین پایبندی ما به یک فکر و اعتقاد الهی است که آن را نشان می‌دهیم. در راه آن، هیچ‌گونه رودربایستی و گذشت و انعطاف و معامله، وجود ندارد. این اعتقاد و پایبندی را هر چه ممکن است حفظ کنید و این کار، با ظواهر و امانت اسلامی و پایبندیهای شدید اسلامی تأمین خواهد شد و لاغیر. این معنا را خیلی رعایت کنید. البته، من بحمدالله در موارد متعددی شاهد بوده‌ام که اینها رعایت می‌شده است. یعنی هر جا رفتیم، یا از نزدیک دیدیم و یا مشاهدات و خبر کسانی را که فرستادیم، خوب بوده است؛ لیکن هر چه بیشتر رعایت کنید و اصلاً کوتاه نیایید.

سفر ما در یک کشور، باید انسانی مستغنی و متدین و آزاد و بدون شایبه‌ی مبتلابه دیگر سفر و همکاران شما در محل مأموریت باشد. شما رفتار سفرای همکار را در محل مأموریت به نیکی می‌دانید. باید این‌گونه تلقی شود که سفر ما از جنس آنها نیست و چیز دیگری است. البته، در برخوردهای تبلیغاتی ممکن است شما را مرتجع و عقب‌افتاده بخوانند؛ ولی قضاوت باطنی آنها چیز دیگری است و از شما در ذهن رجال سیاسی آن کشور، شخصیت انقلابی نفوذناپذیری ترسیم خواهد کرد. به هر حال، هر چه می‌توانید بر تقیدات اسلامی و پایبندی مذهبی، بیشتر تأکید داشته باشید.

و اما نسبت به آینده، مکرر گفته‌ام که سیاست خارجی ما نسبت به گذشته هیچ تفاوتی نکرده و نمی‌کند. ما در

گذشته هم تصریح کرده ایم و الان هم می‌گوییم که برای ایجاد ارتباط سالم و دور از تکلف و تحمیل، آماده‌ایم با هر کشوری - به جز چند استثنا که دلایل خاص و واضح خودش را دارد - ارتباط داشته باشیم. دولتهای استثنا شده، مثل دولت نامشروع صهیونیستی است که در این مراوده، اصولاً در طرف مقابل کسی وجود ندارد و این که هست، غیرقانونی است. انسان، توپ را برای گرفتن پرتاب می‌کند و این واقعیت که بر اساس اعتباری غلط، تحقق پیدا کرده است، مثل لاواقعیست است و وجود غیرقانونی او کالعدم و نامشروع می‌باشد. آفریقای جنوبی و آمریکا هم، همین وضعیت را دارند.

البته، آمریکا از مصادیق و مواردی است که ما ارتباط با او را قبول نداریم و رد می‌کنیم. سؤال می‌شود تا کی؟ پاسخ این پرسش را، هم امام (ره) و هم همه‌ی کسانی که در این باره صحبت کرده‌اند، گفته‌اند: تا وقتی که سیاستهای مبنی بر زور و ظلم و فشار و خصومت با جمهوری اسلامی و حمایت از دشمنان جمهوری اسلامی و پشتیبانی بی‌قید و شرط از دولت صهیونیستی خاتمه پیدا کند. امام فرمودند: "تا وقتی که آدم بشود". یعنی این روشهای غلط را اصلاح بکند. البته، حقیقتاً ما در جبین آن کشتی، نور رستگاری هم نمی‌بینیم و هیاهوی رابطه و مذاکره هم، حرف مفتی است و هیچ‌کس هم نگفته است.

البته، تفاسیر خارجی می‌گویند که در ایران، بین مخالفان و موافقان این مسأله، شکاف وجود دارد! خیر، بحمدالله دشمنان ما در همه‌ی مسایل داخلی اشتباه می‌کنند و کج و غلط می‌فهمند. البته، این‌طور هم نیست که در همه جا غلط بفهمند. خیر، یک وقتی هم درست می‌فهمند که چه خبر است؛ منتها در مقام تبلیغات، مصلحت این است که روی شخصیتها و چهره‌ها و جریانها اظهاراتی بکنند که نفس آن اظهارات، برایشان مهم و مؤثر است و گرنه، اظهارات آنها حاکی از عقیده‌شان نیست. حال در این قضیه، چه از روی عقیده و چه - به قول ما طلبه‌ها - مصلحت در انشا باشد، خلاف واقع و ترفند است و ما آن را رد می‌کنیم.

آنها، بحمدالله هیچ چیز از مسایل داخلی ما را درست تشخیص نداده‌اند. این را هم درست تشخیص نمی‌دهند. در ایران، هیچ‌کس طرفدار و متمایل به مذاکره و ارتباط با آمریکا نیست. این حرفهایی که گفته می‌شود، حرفهای دیگری است که اصلاً ربطی به رابطه و مذاکره ندارد. ما از آمریکا طلبکاریم که باید آن را به ما پس بدهد. شکی نیست که اموال ما در آنجا مسدود است و بایستی آنها را باز کند و حق را به حقدار بدهد. طلب ما از آمریکا و مسدود بودن اموالمان در آنجا، ربطی به ارتباط سیاسی ندارد. باید حق را به صاحبش بدهند.

غیر از این استثناها، ما در ایجاد ارتباط باز عمل می‌کنیم و هیچ شرطی جز ارتباط سالم مبتنی بر منافع طرفین و عدم ابتنا بر زورگویی و سلطه‌گری نداریم. اصل سیاسی و زیربنای "نه شرقی، نه غربی" ما هم به هر حال محفوظ است. بر اساس این اصل، سیاست ما تابع هیچ رکنی - نه شرق و نه غرب - نخواهد شد و این جزو اصول و مبانی ماست و هیچ شکی هم در این نیست و تغییرپذیر هم نیست. این، اصلاً سیاست نیست؛ بلکه مبنا و پایه‌ی نظام است و منافاتی هم با ارتباط ندارد. آقایان در این جهت حرکت نکنید و ارتباطات را بر مبنای تفکر و اعتقاد و راه اسلامی، مستحکم نمایید.

امیدواریم خداوند به شما توفیق بدهد و این راه را برایتان هموار کند. ان شاءالله برادران زحمتکش و خدمتگزار ما در وزارت خارجه و همه‌ی شما را که در اطراف و اکناف جهان، مشغول عملی کردن و پیشبرد این سیاستها هستید، توفیق بدهد و تأیید کند، تا بتوانید این خدمت بزرگ به اسلام و مسلمین را ادامه دهید.  
والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته